



دوهفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی سحر
انجمن اسلامی دانشجویان مستقل
دانشگاه علامه طباطبائی | شماره چهل و پنجم | آذر ۱۴۰۰

توقف مذاکرات در ایستگاه هفتم



مصاحبه اختصاصی سحر با دکتر مجید شاکری،
کارشناس اقتصادی و فعال رسانه‌ای

پیرامون تاثیر مذاکرات وین بر اقتصاد

در این شماره بیشتر می‌خوانید

ادب؛ حلقه مفقوده این
روزهای برخی از هیئات

صفحه ۲۲

برجام کلید است، نه شاه کلید

صفحه ۸

دو هفته‌نامه فرهنگی، اجتماعی، سیاسی سحر

دانشگاه علامه طباطبائی | سال چهارم | شماره چهل و پنجم | آذرماه ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان مستقل
دانشگاه علامه طباطبائی

مدیر مسئول: علیرضا بهرامی

سردبیر: زهرایلوئی

ویراستار: زهرا صیدی

هیئت تحریریه: زهرا پلوئی، محمدعلی شبانی،

زینب اعرابی، اسرا طباطبائیان، نرگس محمدی

دوست، محمدشاهد چرخکار، الهام خودکار قمی،

محمدپویا درودی نژاد، فاطمه قدیمی، زهرا زمانی،

مطهره پورابراهیمی، محمد صادق عباسی

صفحه‌آرا: محمدحسین نیکبخت

توقف مذاکرات در ایستگاه هفتم

آمریکا محتاج‌تر از همیشه

برجام کلید است، نه شاه کلید

سرنوشت اقتصاد در دستان وین

آژانس بین‌المللی دلبسته آمریکا

تاراج کودکی ۴

سهمیه سوخت فرهنگی

زیست دیجیتال زیر سایه اینترنت

هوش مصنوعی، شبیه ساز تفکر انسان

ادب؛ حلقه مفقوده این روزهای هیئات

نظام جامع پیشنهادات

وصال ابراهیم

۴

۶

۸

۱۰

۱۲

۱۴

۱۶

۱۸

۲۰

۲۲

۲۴

۲۶



توقف مذاکرات در ایستگاه هفتم

زهرا پلویی

دبیر نشریات
شوراء مرکزی انجمن



دور جدید مذاکرات ایران و غرب در ماه جاری و در شرایطی برگزار شد که مذاکره‌کنندگان جدید ایرانی با عبرت از مذاکرات قبلی به دنبال احقاق حقوق مردم هستند. مذاکرات جدید که علی باقری هدف آن را «رفع تحریم‌های غیرقانونی و غیرانسانی» بیان کرد، تحت تاثیر تجربیات حاصل از اجرای توافق برجام بوده است؛ تجربیاتی که تیم مذاکره‌کننده جدید ایرانی نمی‌تواند آن‌ها را نادیده بگیرد. از جمله این که توافق سابق لغو موثر تحریم‌ها را به دنبال نداشت، مردمی را که با اعتماد به دولت امید، امیدوارانه به حل مشکلات اقتصادی و معیشتی خود چشم دوخته بودند ناامید کرد و ماشین جنگ اقتصادی آمریکا را متوقف نساخت.

در دور جدید مذاکرات «آمریکا، محتاج‌تر از همیشه» به دنبال مقابله با انزوای سیاسی‌اش در برابر قدرت‌های نوظهور شرقی است. زیرا پس از خروج غیرقانونی آمریکا از برجام و در ادامه کاهش گام به گام تعهدات ایران در راستای بندهای ۶۲ و ۶۳ این توافق، عدم وابستگی ایران به آمریکا بیش از پیش نمایان شد.

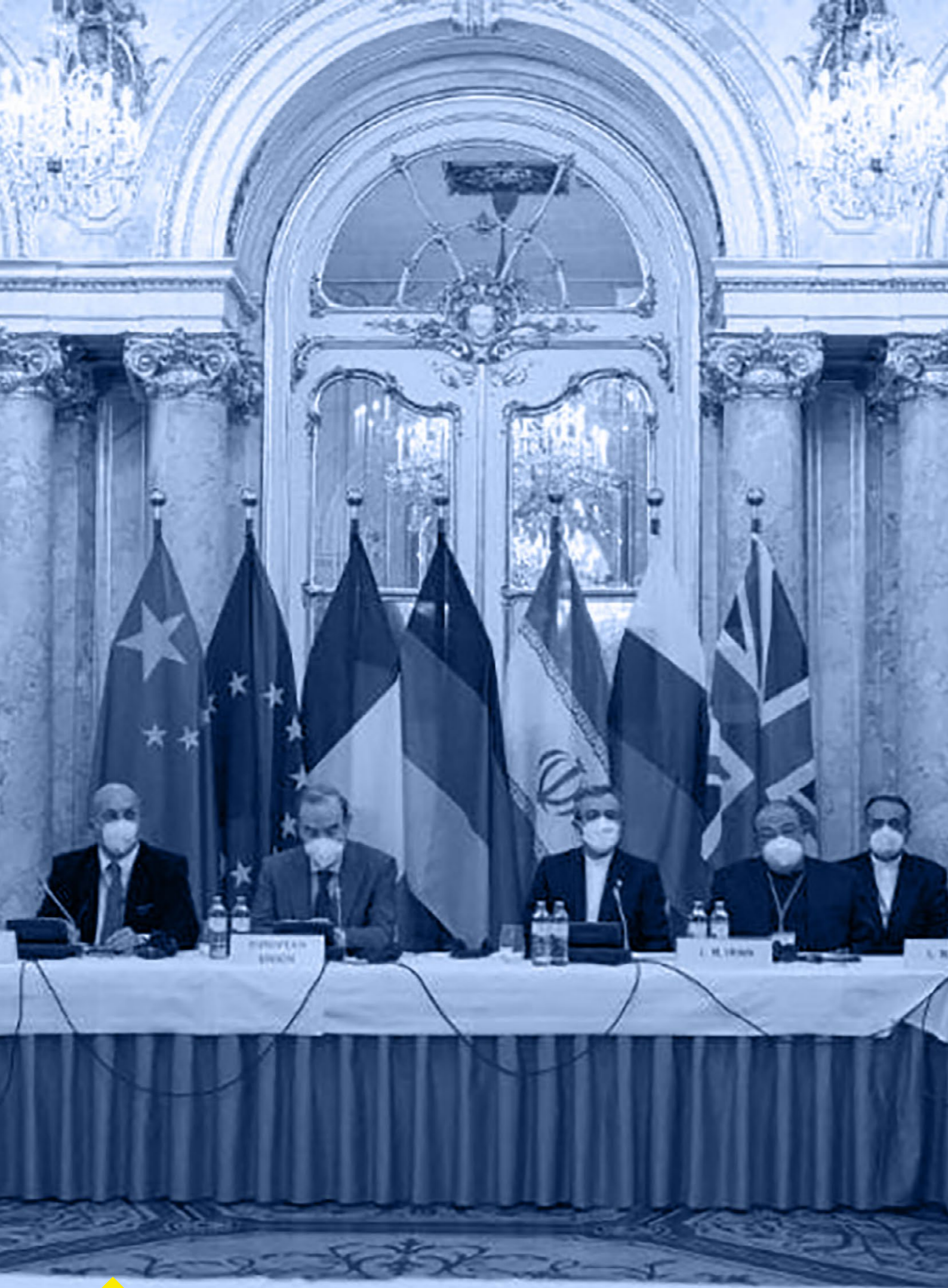
در این بین، نقش کشورهای اروپایی از جمله انگلستان، آمریکا و فرانسه در مبارزه با سیاست‌های مذاکره‌کنندگان ایرانی قابل چشم‌پوشی نیست. این سه

کشور در شرایطی ایران را زیاده‌خواه و درخواست‌هایش را غیر واقعی می‌دانند که تاکنون و به‌ویژه در توافق هسته‌ای تعاملی فراتر از حقوق قانونی سازمان بین‌المللی انرژی اتمی داشته‌ایم و پس از خروج آمریکا از برجام، یک سال صبر استراتژیک کرده‌ایم. حالا و در دور جدید مذاکرات هم، شاهد تلاش مجدد آمریکا برای اقدامات

پس از خروج غیر قانونی آمریکا از برجام و در ادامه کاهش گام به گام تعهدات ایران در راستای بندهای ۲۶ و ۳۶ این توافق، عدم وابستگی ایران به آمریکا بیش از پیش نمایان شد.

مداخله‌جویانه در روند مذاکرات وین هستیم. خوش‌بختانه مسئولین فعلی کشور با فرض اینکه «برجام کلید بود، نه شاه کلید» صریح و قاطع به میدان مذاکره آمده و محور گفت‌وگوهایشان را لغو تحریم‌ها قرار داده‌اند تا «سرنوشت اقتصاد در دستان وین» برای کشور به خوبی رقم بخورد. دیپلماسی

فعال دولت سیزدهم و ارتباط موثر با کشورهای شرقی نظیر عضویت دائمی در پیمان شانگهای باعث محتاج‌تر شدن آمریکا به میز مذاکره و توافق با ایران شده است. در این شرایط مهم‌ترین وظیفه مذاکره‌کنندگان ایرانی در وین که تا به حال نیز به‌خوبی به آن پرداخته شده، بیدار کردن غرب و آشنا ساختن آنها با دنیای واقعی است.



آمریکا محتاج‌تر از همیشه

تبیین دلایل نیاز آمریکا به مذاکرات وین

محمدعلی شبانی

نائب دبیر

شوراء مرکزی انجمن



موریانه افول، سال‌هاست بر پیکر آمریکا افتاده و انزوای سیاسی آن در مقابل قدرت‌های رو به صعود شرقی باعث بهم خوردن معادلات شوالیه کوچه‌های خلوت گشته است، معادلاتی که سعی داشته به طور همه جانبه در خاورمیانه دخالت و به واسطه ابزار تحریم زورگویی کند.

غروب غرب

انتقال قدرت از غرب به شرق حقیقتی است که بر زبان همگان از شرق تا غرب جاری شده، تا آنجا که «آنتونی بلینکن» وزیر خارجه آمریکا اذعان می‌کند: «روسیه و چین سعی می‌کنند دنیا را به افول آمریکا قانع سازند». وی در ادامه اعتراف کرد که این دو کشور عرصه جهانی را بر آمریکا تنگ کرده‌اند. این ترس آشکار از شرق دور جای دیگر خود را در سند استراتژی امنیت ملی آمریکا در دولت ترامپ نشان می‌دهد، هسته اصلی این سند ۶۷ صفحه‌ای مهار رقبای استراتژیک ایالت متحده آمریکا مانند چین و روسیه است و این مهر تاییدی است بر جمله «نوام چامسکی» نظریه پرداز مشهور آمریکایی که در این باب گفته بود: «مقامات آمریکایی درباره اینکه این کشور قدرت بلامنازع دنیا خواهد ماند، جز خیال خوش نبوده است». البته لازم به ذکر است که گزاره‌های سند استراتژی امنیت ملی دولت بایدن هم درباره قدرت‌های رو به رشد شرقی تکرار مکررات سند دولت قبل است.

آمریکای منزوی

علاوه بر قد علم کردن چین و روسیه مقابل آمریکا، خروج ناگهانی و غیر قانونی آمریکا از برجام در دولت ترامپ به بهانه تأمین نشدن منافع اقتصادی این کشور و بازگرداندن تحریم‌های گذشته و وضع تحریم‌های جدید علیه ایران باعث شد که وجهه آمریکا در عرصه بین‌الملل خراب تر شود. در ادامه ایران به عنوان قدرت اول خاورمیانه، یک سال بعد از خروج آمریکا از برجام، تعهدات خود را بر اساس بندهای ۲۶ و ۳۶ این توافق، گام به گام کاهش داد، بر این اساس غنی‌سازی ۲۰ درصدی، افزایش ذخایر اورانیوم غنی شده و بهره‌گیری از سانتریفیوژهای نسل جدید را مورد توجه قرار داد. این اقدام ایران در حالی است که سعی دارد رابطه خود را با چین و روسیه بهتر و عمیق تر کند، به تعبیری عدم وابستگی خود را به آمریکا و تغییر رویکرد تعاملاتی را به رخ آمریکا بکشد و طرح بحث سند ۲۵ ساله ایران پکن و فروش نفت به چین خود گواهی این ادعاست، به طور خلاصه، ارتباط ایران با غیر از آمریکا، فروش نفت از طریق دور زدن تحریم و از سرگیری فعالیت‌های هسته‌ای پیامی دردناک برای ایالت متحده داشت و آن بی ثمر شدن سیاست‌های تحریمی ایالت متحده آمریکا و انزوای آن در صحنه بین‌الملل بود.

تغییر زمین بازی

حال آمریکا باید به فکر رقبای سر سخت خود یعنی چین و روسیه باشد تا حیات مداخله جویانه خود را در کشورهای مختلف از دست ندهد و همچنان به عنوان قدرت اول جهان تلقی شود. فرار آمریکا از افغانستان و عراق و خارج کردن بخشی از تجهیزات خود از عربستان به این دلیل است که آمریکا تهدید اصلی خود را در جای دیگر

یعنی شرق آسیا می‌بیند، حتی اگر این اقدام به ضرر عربستان و اسرائیل و البته به نفع ایران تمام شود. پنتاگون هم درباره این عقب نشینی‌ها دهان باز کرد و دلیل آن را استقرار نیروهای خود بر اساس تهدیدات در سراسر جهان بیان کرد، همچنین «جو بایدن» در طرح اولیه بودجه که به کنگره داده بود از تهدید چین به عنوان چالش اول وزارت دفاع نام برده بود و خواستار افزایش بودجه وزارت دفاع به ۵۱۷ میلیارد دلار شده.

آمریکا، محتاج‌تر از همیشه

نکته مهم این است که تمرکز بر روی چین و روسیه، و غفلت از ایران، خود یکی از بزرگ‌ترین تهدیدهای ایالت متحده و رژیم صهیونیستی است، حال آمریکا سعی دارد با برگشت به برجام و دخالت در مذاکرات وین ایران را مهار و به خیال خود او را در مشقت حفظ کند. امروزه آمریکا بیش از هر کشور دیگری به برجام نیاز دارد، انزوای سیاسی و خراب شدن چهره بین‌المللی، رابطه ایران با چین و انتقال قدرت از غرب به شرق، حفظ سلطه جهانی خود، جلوگیری از گسترش فعالیت‌های هسته‌ای ایران و مهار قدرت ایران با وجود تمرکز بر چین و روسیه از مهم‌ترین دلایل نیاز آمریکا به برجام است. امروزه با از سرگیری مذاکرات وین، آمریکا ایران را متهم به عمل نکردن به توافقات می‌کند و این در حالی است که خود ناقض اشکار توافقات بوده، آمریکا باید متوجه این موضوع شود که سیاست‌های تحریمی بی‌ثمر گشته و اکنون خود بیش از همه به مذاکرات نیاز دارد، هرچند که ایران فرش قرمزی برای آمریکا پهن نکرده است.

“

ارتباط ایران

با غیر از آمریکا،

فروش نفت از طریق

دور زدن تحریم

و از سرگیری

فعالیت‌های

هسته‌ای پیامی

دردناک

برای ایالت متحده

داشت و آن

بی ثمر شدن

سیاست‌های تحریمی

ایالت متحده آمریکا

و انزوای آن در

صحنه بین‌الملل

بود.

برجام کلید است، نه شاه کلید



امور خارجه جمهوری اسلامی ایران شد. وی از همان ابتدا مواضع دولت در بخش سیاست خارجی را به طور روشن بیان کرد و اصرار و تاکید دولت سیزدهم بر دیپلماسی اقتصادی و روابط خارجی متوازن، فعال و پویا را آشکار ساخت. دولت سیزدهم برخلاف دولت قبل برقراری روابط متوازن با همسایگان و کشورهای آسیایی را در اولویت کار خود قرار داد. اما گزارشات حاکی از آن است که دولت سیزدهم دیدگاهی فراتر از اینها

زینب اعرابی

عضو فعال
دانشکده مدیریت و حسابداری

دولت سیزدهم و رویکردهای جدی و جدید

دولت سیزدهم در مرداد ۱۴۰۰ در حالی سکان کشتی قوه مجریه جمهوری اسلامی ایران را بدست گرفت که مذاکرات برجامی به بن بست رسیده و تعاملات با کشورهای همسایه و سایر کشورها به حد پایینی رسیده بود. دولت، قبل به نتیجه رسیدن برجام را به مانند اکسیری در حل تمام مشکلات از جمله ارتباط و تعامل با کشورهای همسایه و منطقه می پنداشت. در این شرایط بود که دولت سیزدهم با تاکید بر "دیپلماسی اقتصادی" و "دیپلماسی چند جانبه گرای" پا به عرصه گذاشت.

سیاست های امور خارجه دولت سیزدهم

۳ شهریور ۱۴۰۰ حسین امیرعبداللهیان با اخذ ۲۷۰ رای نمایندگان مجلس متصدی سمت وزارت

دارد و ضمن توجه به اولویتها در پی تامین حداکثری منافع ملی در سایر حوزه های جهان است. به طوری که صراحتا با چین، روسیه، هند و دیگر کشورهای این حوزه که در یک موقعیت جغرافیایی قرار دارد ارتباط برقرار کرده و چه بسا این ارتباط را قوی تر کرده و می کند.

دولت جدید قرار نیست سرنوشت کشور را به چین و روسیه گره بزند بلکه در راستای منافع دو طرف سیاست خارجی را پیگیری و تنظیم می کند. این بدان معنا نیست که قصد قطع ارتباط با غرب را دارد بلکه هر مقدار که هر کشوری در جهان در راستای منافع مشترک دو طرف، ایده ها و ابتکاراتی داشته باشد که منافع کشور را در سطح خیلی خوبی تامین کند، از او استقبال می شود. در این راستا دولت این هشدار را به غرب داده است که شما به دلیل دنبال کردن سیاست های تحمیلی آمریکا و عدم اجرای تعهدات خود، روز به روز بیشتر ضرر می بینید و از برنامه های سرمایه گذاری و تعامل با ایران در حوزه های مختلف تجاری و اقتصادی دور می شوید.

ایران، در مسیر استقلال اقتصادی و سیاسی

موفقیت های دولت سیزدهم نظیر پیمان شانگهای



و تبدیل شدن به عضو اصلی در این سازمان، قرارداد سوآپ گازی، پیمان اکو، افزایش صادرات نفتی به یک میلیون بشکه، افزایش صادرات غیر نفتی به کشورهای چون لبنان، افغانستان، امارات و ... و واردات واکسن بدون پذیرش FATF و دیگر اقدامات در این حوزه ها منجر به افزایش اقتدار ایران در مجامع بین المللی و منطقه ای و همچنین مذاکرات هسته ای شده است. این موفقیت ها ایران را به سمت استقلال سیاسی و اقتصادی سوق می دهند و دروازه ورود ایران به ارتباط بلوک شرق و کشورهای همسایه هستند که پایانی بر نگاه انحصاری به اقتصادهای غربی است.

عبور از شرطی سازی کشور به برجام

دستاوردهای بدست آمده در حوزه سیاست خارجی توسط دولت سیزدهم به معنای پایان غرب گرایی محض و آغاز سیاست "نگاه به شرق و آسیا محوری" و تقویت "دیپلماسی چند جانبه گرای" است. پس مسلما نگاه امروز ایران به برجام و مذاکره با طرف های غربی حاضر در آن با نگاه ایران پیش از این بسیار متفاوت است؛ چرا که این دستاوردها نشانی از عبور از شرطی سازی کشور به برجام و FATF و امثال اینهاست. با این تفاسیر برجام برای ایران تنها کلید حل مشکلات و رسیدن به شکوفایی نیست، بلکه یکی از مسیرهای پیش رو است که در صورت تامین حداکثری منافع به آن توجه شده و در دستور کار قرار می گیرد. در غیر این صورت ایران تمایلی به ادامه مذاکرات وین نخواهد داشت که این امر مسلما به ضرر طرفین مذاکره است چرا که از بهره بری از منافع ارتباط و تعامل با ایران محروم می ماند.

سرنوشت اقتصاد در دستان وین!

مصاحبه اختصاصی سحر با دکتر مجید شاکری
درباره تاثیر مذاکرات وین بر اقتصاد

نرگس محمدی دوست
دبیر فرهنگی
دانشکده اقتصاد و آمار



این روزها مذاکرات از سر گرفته شده‌اند و مردم منتظر خبرهای خوب از وین هستند. در چهل و پنجمین شماره دو هفته‌نامه سحر، به موضوع تاثیرات اقتصادی مذاکرات وین پرداخته ایم. در ادامه گفتگو با دکتر مجید شاکری، کارشناس اقتصادی درباره این موضوع را می‌خوانید.

به صورت اجمالی بفرمایید روند قبلی مذاکرات به چه صورتی پیش رفت و چه دستاوردهای اقتصادی عاید ما شد؟ آیا به آن نتایج مطلوبی که مدنظر بود رسیدیم یا خیر؟
ما در برجام با یک پارادوکسی مواجه هستیم که یک معامله عدم سلب در مقابل ایجاب است؛ یعنی طرف مقابل بنا هست یکسری کارها را انجام ندهد اما ما یکسری کارها را باید انجام بدهیم. کارهایی که باید انجام شود، همیشه قابل بررسی است اما کاری که نباید انجام شود قابل سنجش نیست. برای همین است که به نظر من اروپائی‌ها به درستی مدعی هستند که برجام را رعایت کرده‌اند چون قرار بوده یکسری تحریم‌ها را علیه ایران اعمال نکنند و نکردند، اما

این که ایران چیزی از این موضوع عایدش شده است یا خیر، به آن‌ها مرتبط نیست. اینکه چرا معامله این‌گونه نوشته شده و چرا ایران بجای آن که برود و خواسته‌هایش را بخواهد، رفته است مواردی را طلب کرده است که بنظرش مانع از بدست آوردن خواسته‌هایش بوده، برای من جای سوال است. فکر می‌کنم مهم‌ترین درسی است که می‌شود از برجام گرفت این است که ما نگاه کاملاً حقوقی داشتیم و فکر می‌کردیم که رفع تحریم‌ها باعث رسیدن به انتفاع اقتصادی مدنظر ما می‌شود، درحالی‌که این‌گونه نبود. شاید بخاطر این است که ما برنامه توسعه مشخصی نداریم، نمی‌توانستیم چیزی بنویسیم و چون نمی‌دانستیم چه می‌خواهیم، موانع را تا حد ممکن برای مواردی که ممکن است آن‌ها را در آینده بخواهیم، برطرف کنیم. ممکن است این‌گونه باشد که ما فکر می‌کردیم که لابد بناست در همه حوزه‌ها بی‌نهایت رشد کنیم و خواستن موارد کمی ما را محدود می‌کند؛ اما در نهایت اینطور مذاکره کردنی که بجای خواسته‌هایمان، موانع خواسته‌ها را بخواهیم برطرف بکنیم، باعث می‌شود که طرف مقابل بدلیل اینکه شما خواسته مشخصی ندارید، آنچه خودش می‌خواهد را بجای خواسته‌های شما جا بزند؛ اتفاقی که مکرراً در برجام رخ داده است. هر معامله‌ای که در فاصله گریز از تحریم باشد، مادامی که گریز هسته‌ای بلندتر از تحریم هست، ناپایدار است و این خیلی ربطی به اینکه رئیس جمهور آمریکا ترامپ یا هیلاری کلینتون می‌بود، ندارد.

آیا هدف اصلی این دور از مذاکرات اقتصادی است؟ اگر بله؛ ساز و کار آن به چه شکلی است؟ انتظاری که ما از طرف‌های خارجی داریم

چیست؟

اگر ایرانی‌ها هدفشان لغو همه تحریم‌ها است، پس هدفشان اقتصادی نیست؛ بلکه حقوقی است و می‌خواهند یکسری تحریمی که روی کاغذ هست برداشته شود. اگر هدفشان اقتصادی است، باید یکسری خواسته سنجش‌پذیر کمی اقتصادی را هدف‌گذاری بکنند و تلاش کنند برای گرفتن آن‌ها، نه برای برطرف کردن موانع آن‌ها، این دو با همدیگر فرق می‌کنند.
من تصورم این است که یک مقداری این موضوع در دور جدید مذاکرات مشاهده می‌شود؛ یعنی باتوجه به ترکیب افرادی که برای این دور رفته‌اند و حرف‌هایی که رد و بدل شد، یک مقدار مختصری می‌توان گفت ما جلوتر رفته‌ایم، ولی همچنان اگر خواسته ما لغو همه تحریم‌ها باشد، بجای بدست آوردن یکسری منافع اقتصادی و اگر تصور ما این باشد که لابد رفع همه تحریم‌ها منجر به این می‌شود که ما به نتایج اقتصادی مثبت زیادی برسیم، این تصور صحیحی نیست. من می‌توانم مدلی از رفع تحریم‌ها را نشان بدهم که در آن چیزی که ما بدست می‌آوریم، با آن چیزی که در آن هستیم تفاوتی نکند. می‌توانم مدلی را نشان بدهم که در آن رفع همه تحریم‌ها رخ نداده اما ما به نتایجی که می‌خواستیم به لحاظ اقتصادی رسیده‌ایم. همه چیز به جزئیات و داشتن درکی از خواسته‌ها بر می‌گردد. تعریف توافق خوب و توافق بد اساساً در گرو این است که شما چه می‌خواهید؟ مواردی که از خواسته‌های شما بالاتر هستند خوب‌اند و مواردی که پایین‌تر از خواسته‌های شما هستند، بد هستند. این موضوع اگرچه بدیهی است اما متأسفانه لازم است که این امر بدیهی را تکرار کنیم تا کمی بیش‌تر به آن فکر شود.

اگر روند مذاکرات مطلوب باشد، اقتصاد ما با رفع تحریم‌ها و انجام موفق مذاکرات، چقدر از رکود خارج می‌شود و به سمت توسعه و رشد حرکت می‌کند؟ به تعبیر دیگه چقدر از مشکلات اقتصادی کشور ما به خاطر تحریم می‌باشد؟
بخش زیادی از مشکلات اقتصاد ما بخاطر تحریم است؛ اما بگذارید دقیق‌تر بگویم بخش زیادی از مشکلات ما بخاطر واکنش به تحریم است. شما به هر حال بحرانی بخاطر تراز پرداخت‌هایتان با تحریم‌ها مرتبط است. اگر نهایتاً هدفتان این باشد که بحران تراز پرداخت‌ها را پاسخ بدهید، راه‌حل‌هایی وجود دارد که با وجود تحریم‌ها هم می‌شود آن‌ها را بکار برد. اگر مسئله‌تان خارج از این موضوع باشد، این‌ها مکمل همدیگرند و نمی‌توانند جای هم را بگیرند و مستقلاً نمی‌توانند عمل بکنند. اما اگر به دنبال اولویت‌های دیگری مانند عدالت و شفافیت و.. باشید، طبیعتاً به سوالات دیگری پاسخ می‌دهیم

تاثیرات مذاکرات بر جو روانی در بازارهای مختلف ایجاد شده چیست و پیش بینی شما در این باره چگونه است؟

بطرز غیرقابل انکاری اخبار مذاکرات برای بازار ارز مهم است. اینکه بعد از سه سال و علی‌رغم طولانی بودن و پرکشش بودن موضوع مذاکرات، همچنان این حساسیت بطور نسبی وجود دارد بطور مستقیم ناشی از این است که جایگزین دیگری روی میز ندارد. وقتی می‌گوییم جایگزین، منظورمان خودکفایی یا دور زدن تحریم‌ها و ... نیست؛ بلکه منظورمان کار رسمی حکومتی برای ارتباط با خارج و در چارچوب تجارت بین‌الملل دوجانبه با سایر کشورها و نه منحصراً آمریکا است، به نحوی که منجر به کاهش عدم اطمینان و نوسان در ارقام مختلف تراز پرداخت‌های ایران بشود. بطور کلی میزان دسترسی به ارز، تعیین‌کننده قیمت ارز در

آژانس بین‌المللی دلبسته آمریکا

اسرا طباطبائی

عضو فعال
دانشکده حقوق و علوم سیاسی



بازار است. البته افزایش قیمت ارز اخیر، صرفاً تابع مسئله مذاکرات نبوده و چند موضوع با هم تجمیع شده از جمله تضعیف ارزش لیر، تورم بالا که منجر به افزایش قاچاق شده است و چندین مورد دیگر، ولیکن همان‌طور که عرض کردم ما هنوز نرفتنیم با سوال اصلی خودمان درگیر بشویم و بکوشیم که به آن پاسخ بدهیم. بعد بقیه موارد مانند کسری بودجه، مشکل درآمدهای ثابت و... را در واقع به عنوان بخشی از آن نقشه رشد و توسعه ثابت پاسخ بدهیم.

نظر شخصی خودتان را درباره این دور از مذاکرات را به عنوان جمع‌بندی بفرمایید.

این مذاکره‌ای که انجام شد، نسبت به آن چیزی که من فکر می‌کردم ممکن است رخ دهد، بهتر بود. من تصور نمی‌کردم در دور اول اصلاً توافقی در دسترس باشد و انتظار اتفاقی بجز اتفاقاتی که اکنون رخ داد را هم نداشتم. به هرحال این حقیقت که شما بتوانید کاملاً در ادامه متن مذاکرات آقای عراقچی حرکت بکنید و هم خواسته‌های خودتان را در آن چارچوب اصطلاحاً برجامیزه‌اش بکنید، کار راحتی نیست و حتماً ایجاد تنش می‌کند. البته چاره‌ای هم جز این نیست. چرا که متن آقای عراقچی عملاً به نکات مهم نپرداخته است و بزرگ‌ترین ضعف آن همان داشتن نگاه حقوقی به مذاکرات است. تقریباً این دور از مذاکرات منجر به هزینه‌هایی شد؛ به‌طور نسبی از آن مذاکرات قبلی که شاهد بودیم کم هزینه‌تر بود، اما اگر جنس مذاکرات مانند جلسات قبلی باقی‌ماند. ما انتظار داریم که خود تیم مذاکره‌کننده اساساً برای دور بعدی جلسات درس بگیرد و این اشتباهات را تکرار نکند.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (TAEA) سازمانی بین‌المللی است که در سال ۱۹۵۷ با هدف نظارت بر فعالیت‌های کشورهای دارنده فن‌آوری هسته‌ای و جهت کسب اطمینان از اینکه این فعالیت‌ها تنها مقاصد صلح‌جویانه دارند، ایجاد شد. مقر این سازمان در شهر وین اتریش قرار دارد و تاکنون ۱۶۴ کشور عضو آن شده‌اند. پرونده هسته‌ای مربوط به ایران سال‌های سال این سازمان را درگیر خود کرده است و در ماجرای برجام نیز شاهد نقش‌آفرینی این سازمان بین‌المللی بوده‌ایم.

آژانسی تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به عنوان یک نهاد مستقل و خودمختار تأسیس شده اما بارها استقلال خود را با برخی حرکات مغرضانه از بین برده و پس از خروج ایالت متحده آمریکا از برجام اکنون این آژانس حافظ منافع آمریکا در ۴+۱ است. از نظر حقوقی سطح اعضای این آژانس با معاونین وزرا برابری می‌کند در صورتی که در دولت پیشین شاهد بودیم که دیدار رئیس آژانس نه تنها از سطح معاونین فراتر رفت بلکه

به دیدار با رئیس جمهور هم رسید! در همان سال‌ها شاهد بازجویی این نهاد از دانشمندان هسته‌ای کشور بودیم و وابستگی این سازمان بین‌المللی به آمریکا بیش از پیش نمایان شد. از همان ابتدای تأسیس آژانس در سال ۱۹۵۷ به پیشنهاد آیزنهاور -رییس جمهور وقت آمریکا- و تأکید او بر نظارت سازمان ملل متحد بر این نهاد و سخنرانی بلند بالای "اتم برای صلح" مشخص بود که وجود این آژانس برای آمریکا بی‌فایده نیست. به دنبال نظارت‌های رییس آژانس از پایگاه‌های هسته‌ای ایران و گزارش‌هایی که به شورای حکام می‌رسید از جدال بر سر تأسیسات هسته‌ای نطنز تا سایت هسته‌ای کرج بی‌طرف نبودن آنان نمایان شد. در حالی که آژانس، بر اساس اساسنامه خود موظف به یاری رساندن بدون تبعیض به کشورهای عضو، در توسعه بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای است. با توجه به اینکه ایران همواره با آژانس همکاری کرده است، توقع می‌رود که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از سیاسی‌کاری پرهیزد و استقلال، بی‌طرفی و حرفه‌ای بودن خود را حفظ کند.

دخالت بی‌جا مانع کسب است...

دولت سیزدهم بر خلاف دولت قبلی سیاست دیپلماتیک خود را بر پایه‌ی امتیازگیری بدون امتیازدهی قرار داده و معتقد است که شرایط فعلی سیاسی، اقتصادی و ذخایر هسته‌ای ایران در موقعیتی قرار دارد که غرب ناگزیر از پذیرش شرایط ما

است. در واقع دولت آقای رئیسی با مشخص کردن حدود قانونی برای ارتباط آژانس انرژی اتمی با سران دولت ایران باعث تعجب آنها شده زیرا دولت جدید معتقد به امتیازدهی بی‌حد و حصر به آژانس نیست و می‌خواهد بدون دخالت‌های این سازمان به اهداف خود برسد. در آخر با توجه به سخن مقام معظم رهبری مبنی بر جواب ندادن اعتماد به غرب، تنها راه حفظ و صیانت از برجام در مسیر منافع ملی حفظ گارد بسته در برابر بازیگران عصیان‌گر آن و همکاری با آژانس در چارچوب حقوقی تعیین شده است. همچنین خوش‌بینی نسبت به آژانس در مسیر اجرایی شدن برجام باید عبرتی برای مذاکره‌کنندگان جدید باشد. مهم‌تر این‌که بی‌اعتمادی ما برخاسته از یک معادله انتزاعی نیست و سوابق قبلی آنان به خصوص در مقوله بازرسی جایی برای خوش‌بینی نگذاشته است و رفتارهای آژانس در چارچوب یک معامله قاطعانه بیشتر قابل کنترل است تا یک خوش‌بینی تصنعی.



می‌گیرند به ویژه در فضای مجازی، تصمیم امروز دائر بر نشر تصویر کودک ولو از سوی والدین و نزدیکان آن کودک، می‌تواند در آینده وی، اثر مخرب و سوئی بر جای بگذارد و او را از انتشارش متضرر یا ناراضی سازد؛ قطعاً این تصمیم مغایر حق کودک بر کرامت انسانی و به نوعی خشونت دراز آهنگ و دامنه‌داری علیه کودکان تلقی شود و حق بر تعیین سرنوشت آنان را مخدوش سازد. همچنین به واسطه آسیب‌های روحی، جسمی و دیگر انواع آسیب‌ها، مغایر مصالح عالیه کودکان شناخته شود؛ به ویژه آنکه امرزوه حق بر فراموشی و گمنامی و لزوم حذف تصاویر و آثار سمعی و بصری کودکان و نوجوانان از حقوق شناخته شده در اسناد بین المللی است و لازم است تا این نکته مهم در قوانین ملی و داخلی نیز مطمح نظر قرار گیرد. امری که متأسفانه مورد غفلت قرار گرفته است.

امر کودکان کار مجازی گاهی با خشونت علیه کودکان نیز پیوند می‌خورد و استفاده ابزاری را نیز در جامعه نشر و گسترش می‌دهد. اگر ممکن است در رابطه با این اتفاق نیز نظر خود را بفرمایید.

مهم‌ترین راهکار و تدبیر در قبال سوءاستفاده‌های ابزاری از کودکان کار مجازی، اتخاذ رویکرد پیشگیرانه است. باید اطلاع رسانی و آموزش حضور کودک در فضای مجازی به ویژه برای والدین و سرپرستان کودکان، فراگیر و همگانی شود و مخاطرات و پیامدهای زیانبار چنین بهره‌کشی‌هایی به روشنی برای ایشان تبیین شود. پیشگیری رشدمدار و پیشگیری اجتماعی دو گونه از انواع پیشگیری هستند که می‌توان با استفاده از تدابیر و رویکردهای حمایتی و آموزشی آن‌ها به مقابله و مبارزه پیشینی و غیرکیفری با این بلای فراگیر در فضای مجازی اقدام نمود.

کمک‌های نقدی و مالی، تبلیغ کالا و خدمات در فضای مجازی و رسانه‌ی ملی، سایت‌های خبری و اینترنتی و صفحات شخصی با هدف سودآوری و کسب درآمدهای هنگفت توسط اشخاص حقیقی و حقوقی حتی والدین از مصادیق نقض فاحش حقوق کودکان است. این اقدام علاوه بر نقض حریم خصوصی کودکان و استفاده ابزاری و کالاگونه از آنان، به نادیده انگاشتن مصالح عالیه آنان در درازمدت منجر می‌شود و به صورت بالقوه می‌تواند کودکان را در معرض مخاطرات و آسیب‌های جسمانی و روانی در آینده قرار دهد. متأسفانه در این خصوص قانون جامع و صریح و شفاف وجود ندارد. هرچند با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ می‌توان به برخی از گزاره‌های مصرح در این قانون استناد جست و با بهره‌کشی‌ها و رفتارهای خلاف مصالح عالیه کودکان در فضای مجازی مقابله کرد. به عنوان مثال بند ت ماده یک این قانون در مقام تعریف بهره‌کشی اقتصادی آورده است: «به کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان و یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد.» و در ادامه در ماده ۱۵، بهره‌کشی اقتصادی از کودکان را موجب حبس درجه ۶ تعزیری دانسته است. همچنین هرگونه استفاده از کودکان و نوجوانان ولو توسط والدینشان در تولید هرزه نگاری، محتوا و یا تصویر مبتذل و یا مستهجن (بنابر تعاریف مذکور در ماده یک آن قانون) موجب مجازات‌های مقرر در ماده ۱۰ همان قانون خواهد بود.

حق حذف و حق بر فراموشی آیا در قوانین ما مورد اشاره واقع شده است؟ نبود این حق چه مزایا و معایبی را در پی دارد؟

به دلیل ماندگاری تصاویر کودکانی که مورد بهره‌کشی و سوءاستفاده‌های مختلف ابزاری قرار



اقتصادی قرار می‌گیرند و در فعالیت‌های اقتصادی بکار گرفته می‌شوند. یکی از مصادیق مهم کودکان کار، کودکان کار خیابانی هستند که در خیابان‌ها و عمدتاً در چهارراه‌ها و مراکز تجمع و ازدحام، به اموری اشتغال پیدا می‌کنند که با کرامت و جایگاه یک کودک در تعارض آشکار است.

متأسفانه امروزه امر استفاده ابزاری از کودکان موارد گسترده‌ای را شامل شده و ما با کودکان کار فضای مجازی مواجه هستیم که والدین آن‌ها با انتشار عکس و فیلم این کودکان آن‌ها را بدون رضایت و اجازه خود کودک وارد فضای مجازی کرده و آینده و حریم شخصی او را تحت الشعاع قرار می‌دهند و ما در مقابل، شاهد سکوت قانون‌گذار هستیم؛ واکنش قانون را نسبت به این موضوع بفرمایید و یا اقدامات لازم را شرح دهید.

امروزه با گسترش کاربرد فضای مجازی در جنبه‌های مختلف زندگی و توسعه‌ی شبکه‌های اجتماعی، با یکی از جدی‌ترین موارد فاحش نقض حقوق کودک مواجه هستیم. نشر و باز نشر تصاویر کودکان با اهداف مختلفی از قبیل نمایش زیبایی‌ها و استعدادهای کودکان، بر انگیختن حس ترحم در مخاطبان و جمع‌آوری اعانه و



محمدشاهد چرخکار

دبیر فرهنگی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

در ادامه‌ی پیگیری‌های نشریه‌ی سحر با موضوع "کودکان کار مجازی" که در شماره‌های قبلی از طریق مصاحبه‌هایی با اساتید هیئت علمی دانشکده‌های روانشناسی و علوم اجتماعی به انتشار رسید؛ این دفعه و با یک شماره تأخیر، با هدف نگاه حقوقی به ساختار تقنینی کشور به سراغ جناب آقای دکتر محمدرضا رهبرپور، عضو هیئت علمی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی رفتیم تا بحث کودکان کار مجازی را این بار با عینکی حقوقی به نظاره پردازیم.



ابتدا تعریفی از کودک کار در بعد حقوقی بفرمایید و دامنه‌ی مصادیق آن را در قوانین ما بیان کنید. کودکان کار از منظر قانونی به همه‌ی کودکانی گفته می‌شود که بی آنکه به سن قانونی مجاز کار (۱۵ سال برای مشاغل سبک و ۱۸ سال برای مشاغل سنگین و پر خطر) رسیده باشند؛ مورد بهره‌کشی



سیاسی و امنیتی، مؤلفه فرهنگی نقشی محوری و تعیین‌کننده دارد، همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب فرمودند: «اگر جریان تحریف شکست بخورد جریان تحریم قطعاً شکست خواهد خورد.»

تحول انقلابی در ساختار فرهنگی

بازسازی و تحول انقلابی ساختار فرهنگی کشور در سلامت روانی، رضایت عمومی، رشد اجتماعی و فرهنگی تاثیرگذار بوده و در نتیجه زمینه برای پیشرفت و توسعه همه جانبه جامعه فراهم خواهد شد. از آن رو بازنگری در اعتبارات فرهنگی و توجه به تقویت اقتصاد فرهنگی امری ضروری است. بدون شک اصلاح ساختار و افزایش بودجه در حوزه فرهنگی باعث اثربخشی و تولید محتوای بیش‌تر و با کیفیت‌تر خواهد شد. در حال حاضر با شرایط ذکر شده، همچنین اهمیت حوزه فرهنگی در نگاه رهبری، اهالی و دغدغه‌مندان فرهنگی چشم امید به سازمان برنامه و بودجه و هیات دولت دارند تا با اتخاذ رویکردی همه جانبه و توجه ویژه به حوزه فرهنگ و هنر، قدمی در جهت تحولی انقلابی در ساختار فرهنگی کشور بردارند.

قلمداد می‌شود؛ چرا که موازی‌کاری زیاد یا اختلاف نظرات نتوانسته نتیجه‌ای که نظام و انقلاب اسلامی در نظر داشته را محقق سازد. براساس آمار، حدود ۳۰ دستگاه فرهنگی در کشور وجود دارد، که هر یک دارای نیروهای ستادی، اداری، مالی، پشتیبانی و جمعی از نیروی انسانی هستند که فعالیت‌های پشتیبانی داشته و به طور مستقیم کار فرهنگی انجام نمی‌دهند. در این راستا باید علاوه بر اصلاح ساختار بودجه، تجمیعی بین نهادهای فرهنگی صورت بگیرد تا از موازی‌کاری جلوگیری شده و کارسازی به نحوه مطلوب‌تری انجام شود، همچنین هم‌افزایی بین شوراها صورت بگیرد، تا هر یک به صورت مجزا نیازمند تخصیص بودجه نباشند. این نکته نیز حائز اهمیت است که طی سال‌های گذشته شاهد جبران کسری بودجه سایر دستگاه‌ها با نظر به بودجه‌ی فرهنگی بوده‌ایم که بحثی قابل تامل می‌باشد.

اولویت دولت در بودجه سال آینده

برنامه بودجه سال ۱۴۰۱ در ۱۹ مهرماه سال جاری، توسط هیئت دولت طی بخشنامه‌ای ابلاغ شد. در این بخشنامه محورهای اساسی دولت در تدوین بودجه شامل ۴ بخش بود: ۱) رشد اقتصادی با تمرکز بر ارتقای بهره‌وری ۲) ثبات اقتصادی ۳) عدالت محوری ۴) تغییر ساختار بودجه و تأمین مالی اقتصاد. این موضوع بیانگر آن است که اولویت اصلی دولت در بودجه سال آینده، حل مشکلات اقتصادی با محوریت اصلاح ساختار بودجه است. اما باید توجه داشت که مشکلات اقتصادی و داخلی، صرفاً ماهیت اقتصادی ندارند و مولفه‌های فرهنگی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در مسائل کشور دارند. اگر می‌خواهیم مشکل معیشتی حل شود، در ابتدا باید رفتارهای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان در عرصه فرهنگی اصلاح شود، در این صورت شاهد اصلاح قابل توجه مشکلات گوناگون جامعه خواهیم بود. حتی در عرصه مواجهه با دشمن، تحریم‌ها، مسائل

کشور مختص به حوزه فرهنگی است. این در صورتی است که مشکلات زیاد و اهمیت روزافزون حوزه فرهنگ با افزایش سه برابری، همچنان نیازها و معضلات را پوشش نمی‌دهد. از بین مشکلات این حوزه می‌توان به بخش عمرانی، نیروی کار، تعدد سهم خواهان و... اشاره داشت. برگزاری بسیاری از رویدادهای فرهنگی نیازمند فضا می‌باشد و باید اعتبار لازم برای ساخت و تجهیز آن در نظر گرفته شود. از سویی هر ساله بودجه کل کشور افزایشی بوده است و ثابت نگاه داشتن بودجه یک حوزه در حقیقت به معنای کاهش آن است. بر اساس آمار، نسبت بودجه فرهنگی طی ۴۰ سال از سطح مشخصی فراتر نرفته و همواره میان ۱ تا ۴ درصد در نوسان بوده، به‌گونه‌ای که کم‌ترین آن ۰.۱۶ درصد در سال ۱۳۶۰ و بیش‌ترین آن ۰.۳۶ درصد در سال ۱۹۳۱ بوده است. با در نظر گرفتن تورم بالای کشور، اگر بودجه فرهنگی سال ۱۴۰۱ افزایشی نباشد و ثابت بماند به نوعی ۱۵ درصد کاهش خواهد داشت. همچنین، تعدد سازمان‌ها یا دستگاه‌های فعال و مسئول در حوزه فرهنگی باعث سهم خواهی آن‌ها از این بودجه شده است، که مشکلی اساسی در حوزه فرهنگ



الهام خودکار قمی

دبیر سیاسی
دانشکده علوم اجتماعی



انقلاب ما، انقلابی فرهنگی و انسان‌ساز، با هدف حفظ و ترویج فرهنگ ایرانی-اسلامی بوده است. بازسازی ساختار فرهنگی، مسیر را برای توسعه و پیشرفت بنیادین کشور در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، بهداشتی و درمانی، هنری و اجتماعی فراهم خواهد کرد. بسیاری از مشکلات امروز کشور ناشی از عدم پیوست و زیربنای فرهنگی است. چنانچه امری فاقد پیوست فرهنگی باشد در دراز مدت می‌تواند به اهداف اولیه لطمه بزند. تدریس آموزه‌های انقلابی، تولید محتوای رسانه‌ای، برگزاری رویدادهای فرهنگی در سطح عمومی و دانشگاهی، همچنین سرمایه‌گذاری در موضوعات فرهنگی از جمله اقدامات ضروری جهت تحول و انقلابی سازی فرهنگی به شمار می‌روند که علاوه بر عزم راسخ، نیازمند اعتبارات مناسب نیز هستند.

ریل گذاری اهداف و سیاست‌های کلی

لایحه برنامه و بودجه، اصلی‌ترین سند برنامه‌ای است که سیاست‌ها و اهداف کلی را در دستگاه‌ها و نهادها ریل گذاری می‌کند. حوزه فرهنگ نیز، سایر حوزه‌ها نیازمند بودجه تخصیصی می‌باشد. در طول دو سال گذشته با پیگیری‌های اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی و همراهی مسئولین و سازمان برنامه و بودجه، اعتبارات حوزه فرهنگ حدوداً سه برابر شده است، اما تنها حدود نیم درصد از کل بودجه

تومان در سال ۱۳۹۸ بوده که در سال ۱۴۰۱ به بیش از ۲۰۰۰ میلیارد تومان خواهد رسید.

سهم بازی‌های ایرانی از این مارکت در بازی‌های موبایل، ۸۰ میلیارد و در بازی‌های کامپیوتری ۲۱ میلیارد و در بازی‌های کنسولی ۹ میلیارد دلار می‌باشد. همان‌طور که می‌بیند سهم بازی‌های ایرانی از این مارکت ۱۵۰۰ میلیاردی بسیار ناچیز است. تأثیرات فرهنگی بازی‌های دیجیتال که بیش از ۵۰ درصد مردم کشورمان امروز درگیر آن هستند، بسیار بالاست. کم‌کاری بخش دولتی در این عرصه کاملاً محسوس است. عزم و اراده‌ی متخصصین ایرانی نیز در این زمینه بسیار جدی است به گونه‌ای که ما سالانه ۴۰ تا ۵۰ درصد افزایش درآمد قطعی در این مارکت داشته‌ایم؛ اما هنوز خیلی عقب هستیم. در این بین نکته حائز اهمیت است که ما امروز نیازمند تولید بازی‌هایی هستیم که قابلیت صادرات و تأثیرگذاری فرهنگی را داشته باشد.

امید است با توجه به نیاز و تقاضای روز جامعه، گیم به عنوان یک حقیقت پذیرفته شود و بخش‌های دولتی از آن در بخش‌های روشننگری‌های تاریخی- فرهنگی استفاده مضاعف کنند چراکه امروز گیم سوار بر فرهنگ و سنت‌های ماست و وظیفه ما نیز تغییر دادن میدان به نفع ارزش‌های اصیل ایرانی- اسلامی خودمان است.

که تغییر جهت می‌داد، شلیک می‌کرد و گرد یک سیاه‌چاله می‌چرخید. چند سال بعد اولین نسل از کنسول‌های بازی توسط رالف بائر ساخته شد. محبوب‌ترین کنسول نسل اول ATARI2600 بود که ۱۹۹ دلار قیمت داشت و تا سالیان طولانی برترین و پر فروش‌ترین کنسول موجود در بازار بود. مشکل بزرگ این سخت‌افزار این بود که تنها از یک بازی پشتیبانی می‌کرد.

کنسول‌های نسل دو با قابلیت کارتریج توسط کمپانی FAIRCHILD و با مهندسی جری لاوزن در سال ۱۹۷۶ به بازار عرضه شدند. این کنسول‌ها تا امروز بروزرسانی‌های فراوانی داشتند و بخش بزرگی از مارکت بازی‌های دیجیتال را تشکیل می‌دهند. رفته‌رفته بین صنعت گیم با اینترنت پیوندی ایجاد شد که علاقه‌ی افراد را به بازی‌های گروهی و روی خط دوچندان کرد.

ایران امروز و گیمرها

ایران امروز یکی از پرکارترین کشورها در زمینه بازی‌های دیجیتال است. بطوری که طبق آمار بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای تعداد کاربران ایرانی حدود ۳۲ تا ۳۶ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. میانگین سنی بازیکنان ایرانی نیز ۲۲ سال است. متوسط زمانی که کاربران در روز صرف بازی کردن می‌کنند ۹۳ دقیقه است.

سبک زندگی بسیاری از اقشار جامعه تحت تأثیر شیوع کرونا تغییرات ژرفی داشت بطوری که طبق اعلام فروشگاه‌های اینترنتی ایرانی در ۴۵ روز نخستین اعلام پاندمی کرونا ۱۰۷ میلیون بار بازی دانلود یا بروزرسانی شده است. گردش مالی بازی‌های موبایل، کنسول و رایانه در سال ۲۰۲۰ حدود ۲۸۰ میلیارد دلار بوده که ۷۲ میلیارد آن مربوط به بازار بازی‌های موبایلی است. گردش مالی صنعت گیم در ایران حدود ۱۵۰۰ میلیارد

زیست دیجیتال زیرسایه اینترنت



تاریخچه تکامل اینترنت جهانی

در سال ۱۹۶۱، چهار کامپیوتر در دو ایالت آمریکا به هم متصل شدند که این قابلیت ARPANRT نام داشت. این اتصال را می‌توان اولین نمونه از ظهور شبکه اینترنت دانست. در سال ۱۹۹۳، WORLD، WEB، WIDE یا همان WWW (تار جهان گستر) به بهره‌برداری رسید، اسناد و اطلاعات بصورت صفحه‌ای در شبکه اینترنت قرار می‌گرفتند و عموم جامعه از آن بهره‌مند می‌شدند. شبکه اینترنت خیلی سریع، فراگیر و جهانی شد؛ و مردم آن را به عنوان یک دوست پذیرفته بودند چراکه در وقت و هزینه‌هایشان صرفه جویی می‌کرد، مالکیت خصوصی و مرز جغرافیایی نداشت و همگانی بود. سال ۱۳۷۲ نیز ایران رسماً به شبکه اینترنت جهانی پیوست. سال بعد از آن نیز اولین وبسایت فارسی زبان راه‌اندازی شد و در آن اولین نسخه دیجیتال روزنامه همشهری را منتشر کردند.

تاریخچه بازی‌های نسل جدید

اولین بازی ویدیویی تاریخ در بستر اولین کامپیوترها توسط استیو راسل راه‌اندازی شد که SPACE WAR نام داشت. محتوای بازی سفینه‌ای را نشان می‌داد

محمدپویا درودی نژاد

عضو فعال
دانشکده علوم ارتباطات



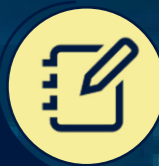
زیست امروز ما در گوشه گوشه‌ی جهان به گونه‌ایست که کاملاً وابسته به تکنولوژی می‌باشد. بشر از دهه‌ها پیش و خصوصاً بعد از انقلاب صنعتی، سیر تکامل نوگرایی را پیمود تا جایی که زندگی بدون تکنولوژی و صنایع امروزی دیگر قابل تصور نیست و حتی کسانی که در نقاط محروم و دورافتاده‌ی جغرافیا زندگی می‌کنند نیز از این امکانات بهره‌مند هستند. زیست دیجیتال امروزی یک مجموعه‌ی همه جانبه می‌باشد که شامل اقتصاد، روزمرگی و... است. زیست دیجیتال کاملاً وابسته به اینترنت جهانی است. صنعت گیم یکی از عرصه‌های زیست دیجیتال است که امروز به طور عمیق در روزمرگی مردم رخنه کرده است. صنعت گیم با توجه به کاربران فراوانی که در ایران دارد، شدیداً بر فرهنگ ما تأثیرگذار است. برای تحلیل آن لازم است پیشینه‌ای از اینترنت و ارتباط آن با سایر عرصه‌های تکنولوژی را بررسی کنیم.



هوش مصنوعی، شبیه ساز تفکر انسان

فاطمه قدیمی

دبیر دانشکده
روانشناسی و ع.تربیتی



دانشگاه باید کاری کنیم که ما در دنیا حداقل در بین ده کشور اول در مورد هوش مصنوعی قرار بگیریم.»

جایگاه هوش مصنوعی در جهان و ایران

بررسی‌های موجود در حوزه هوش مصنوعی نشان می‌دهد در حدود ۵۲ سال اخیر ۴۵۳ هزار و ۳۴۴ مدرک علمی در جهان در این زمینه منتشر شده است که با توجه به این مدارک آمریکا، چین، هند، آلمان، فرانسه، ژاپن، ایتالیا، کانادا، انگلیس و اسپانیا ۱۰ کشور برتر دنیا در این زمینه هستند. مدارک منتشر شده در جهان نشان می‌دهد که بیش‌ترین فراوانی در هوش مصنوعی در زمینه علوم کامپیوتری با سهم ۲۴ درصد بوده است در همین حال ریاضیات، مهندسی، بیوشیمی و ژنتیک، پزشکی، علوم اجتماعی و علوم تصمیم‌گیری در رده‌های بعدی مدارک منتشر شده قرار دارند.

ایران نیز در حوزه هوش مصنوعی با حدود ۴ هزار و ۲۴۵ مدرک علمی از نظر تولید مقاله و علم‌سنجی در منطقه رتبه اول و در دنیا رتبه ۴۱ را دارا می‌باشد اما از نظر کاربرد اگرچه مرکز توسعه و نوآوری هوش مصنوعی با همکاری سازمان برنامه و بودجه در حال تدوین نقشه راه برای بکارگیری هوش مصنوعی در کشور هستند اما چون هنوز مطالعات در این زمینه تکمیل نشده است ایران در حدود رتبه ۵۷ جهانی قرار دارد. یکی از حوزه‌های حائز اهمیت، حوزه صدا و سیما است؛ در این نهاد با ادغام هوش مصنوعی در سیستم‌های مدیریت رسانه، کنترل بیش‌تری بر تمام محتواهای سازمان اعمال می‌شود. به عبارتی آماده‌سازی داده برای بخش تولید، ذخیره‌سازی و بازیابی هدفمند انجام می‌پذیرد. بنابراین از انجام عملیات تکراری، هزینه‌های غیر

ضروری و اتلاف وقت جلوگیری می‌شود تا رسانه منابع خود را صرف تولید محتوای بهتر برای مخاطبان کند.

حال با تاکید بر اهمیت مقوله هوش مصنوعی، در ایران نیز باید برنامه‌های عملیاتی‌تر و همچنین افزایش همکاری با بخش خصوصی در دستور کار قرار گیرد تا بتوانیم در زمینه این فناوری در جهان پیشرو باشیم. به عنوان مثال در کشوری مثل ایران که حدود ۷ هزار شرکت دانش بنیان خلاق دارد باید ابتدا از محصولات این شرکتها در راستای ارتقا فناوری هوش مصنوعی حمایت کرد و سپس رعایت کیفیت شاخص‌های ارزیابی را در اولویت قرارداد چراکه سهلگیری در این امر باعث کاهش کیفیت و افزایش کمیت می‌شود.

باتوجه به ضرورت وجود مغز انسان در حیات بشری، شبیه‌سازی کارکردهای آن نیز از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ یکی از حوزه‌های فعال در این زمینه هوش مصنوعی می‌باشد که نوعی شبیه‌ساز هوش انسانی است به‌گونه‌ای که بتواند فعالیت‌های شناختی انسان از جمله فکر کردن و حل مسئله را انجام دهد. این فناوری دارای زیر مجموعه‌هایی از قبیل رباتیک و علوم شناختی است که انقلاب عظیمی در الگوریتم‌های محاسباتی، روش‌های کسب و کار و... ایجاد کرده است به همین جهت از آن با عنوان انقلاب چهارم صنعتی یاد می‌شود.

اهمیت هوش مصنوعی

الگوریتم‌های هوش مصنوعی با سرعت زیادی در حال تغییر و تحول است به همین دلیل اکثر کشورهای جهان به تدوین برنامه‌های جامع هوش مصنوعی برای بهبود خدمات عمومی، کارایی در اقتصاد، بهبود شرایط کار، تقویت نیروی انسانی، بدست آوردن فناوری و نوآوری و ایجاد زیرساخت‌های دیجیتالی روی می‌آورند چرا که ارتقا فناوری هوش مصنوعی موجب رشد و پیشرفت و ایجاد ثبات سیاسی در جوامع مختلف می‌شود. در ایران نیز مقام معظم رهبری ضمن تاکید بر اینکه خلق فناوری یکی از تکالیف اصلی نخبگان است فرمودند: «من پیشنهاد می‌کنم یکی از مسائلی که مورد تکیه و توجه و تعمیق واقع می‌شود، مسئله‌ی هوش مصنوعی باشد که در اداره‌ی آینده‌ی دنیا نقش خواهد داشت؛ حالا یا در معاونت علمی رئیس‌جمهور یا در

در آن گریه نهفته نیست لذا توصیه می‌شود این مطلب در تمامی مجالس لحاظ شود.

سبک‌های مشروع یا نامشروع

سومین وجه این مراسمات که نیازمند دقت کافی می‌باشد سبک و آهنگ نوحه‌ها است که باید با دقت کافی تنظیم شده و مطابق با ارزش‌های اسلامی باشد. در این روزها در مراسمات همچون عزاداری ابا عبدالله (ع) گاه‌ها دیده می‌شود مداح برای شور بیش‌تر از آلات موسیقی نظیر طبل و

“

سنج که طبق فتاوی‌ مراجع اعظام تقلید اگر صرفاً برای هماهنگی سینه‌زن‌ها بوده و ایجاد حزن کند جایز است و در غیر صورت باید از این ابزار اجتناب شود.

بعضی از نوحه‌هایی را که مداحان می‌خوانند از صوت دلنشینی برخوردار است، اما

هیچ مفهوم اسلامی همراهش نیست.

چه بسا افراد هم

می‌آیند و

همراهش گریه می‌کنند

اما معرفتی

در آن گریه

نهفته نیست لذا

توصیه می‌شود این

مطلب در تمامی مجالس

لحاظ شود.

با بررسی اجمالی در باب این موضوع متوجه می‌شویم همان‌طور که نبود شعور در هیئت می‌تواند آسیب‌های متعددی بر روی نسل نوجوان و جوان داشته باشد در مقابل ادب جاری در مراسمات مذهبی می‌تواند معرفت افراد را بالا برده و در مسیر رشد فردی و کمال آن‌ها موثر باشد.

ادب در هیئات

علی‌رغم توصیه‌های متعدد مقام معظم رهبری در سال‌های اخیر شاهد رواج عزاداری‌های دور از شان ائمه بوده‌ایم. به‌عنوان مثال یکی از وجوه ادب هیئت را ادب مستمع در حین عزاداری مشخص می‌کند که شامل خضوع وی و نحوه پوشش اوست.

وجه دوم مربوط به متون و اشعاری است که مداحان در مجالس مذهبی می‌خوانند که به گفته‌ی کارشناسان این حوزه از عوامل موثر برای افزایش کیفیت عزاداری و شعور در هیئت‌ها می‌باشد که بدین‌گونه می‌تواند مسیر درست را برای مستمع ترسیم کند. طبق بیانات مقام معظم رهبری وظیفه‌ی فرهنگ‌سازی، وظیفه‌ی ترویج، وظیفه‌ی گستراندن مبانی فکری و فرهنگی اسلام تا حدودی بر روی دوش مداحان و فعالان این عرصه است و بسیار مهم است که اساس و محور کار خود را این مطلب قرار دهند. اشعار باید «محکم»، «قوی»، «خوش‌مضمون» و «قانع‌کننده» باشند. همچنین باید دارای مفاهیم اسلامی باشند و صرف قشنگ و جذاب بودن کفایت نمی‌کند. بعضی از نوحه‌هایی را که مداحان می‌خوانند از صوت دلنشینی برخوردار است، اما هیچ مفهوم اسلامی همراهش نیست. چه بسا افراد هم می‌آیند و همراهش گریه می‌کنند اما معرفتی



ادب؛ حلقه مفقوده این روزهای برخی از هیئات



می‌توانند با اجرایی عالی، هنرمندانه و پرمغز، جوانان را تبدیل به انسان‌های کارآمدی کنند که با عزم جزم دنبال کار بروند. در مقابل اگر مسیر نادرستی را پیش بگیرند می‌توانند آن‌ها را تبدیل به آدم‌های بی‌خیال، بی‌فکر، ناامید و از لحاظ معنوی تهی دست کنند.

به گفته بزرگان و اساتید، یکی از موارد حائز اهمیت در این حوزه بحث الگو بودن مداحان برای نسل جوان کشور یا به طور عمیق‌تر آینده‌سازان جامعه اسلامی است. چرا که نسل جوان همواره به دنبال الگوسازی و هدف‌گذاری بر مبنای یک شخصیت عینی است. لذا لازم است اخلاق و ادب مداح با معیارهای دینی منطبق و در چارچوب اعتقادات اسلامی باشد.

توصیه دیگری که مکرراً به این دسته از افراد می‌شود این است که تلاش کنند صاحب ورع و تقوا باشند و از ورود به مسائل شبهه‌ناک خودداری کنند. زیرا امکان دارد به دلیل رفتار نامناسبی که شاید هم از روی ناآگاهی بوده و سهواً انجام شده ضربه‌ای حتی مخرب‌تر از دشمنان به نسل جوان وارد کنند. البته لازم به ذکر است هوشمندی نسل جوان در این مسیر ضروری است زیرا افراد مطلقاً خوب و منزه نیستند.

زهرا زمانی

عضو فعال
دانشکده مدیریت و حسابداری



مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «این که بنده گاهی اوقات اعتراض می‌کنم به بعضی از مداحی‌ها در عزاداری دهه‌ی محرم که گاهی می‌آورند عکسهایش را می‌بینم مثلاً در یک جلسه همه دارند همین‌طور می‌پرند هوا و می‌آیند پایین؛ خب، این چه فایده‌ای دارد؟ این چه تأثیری دارد؟ کجای این عزاداری است؟ اینکه من اعتراض می‌کنم، از هیجان جوان‌ها ناراحت نیستم؛ خب جوان اهل هیجان است، جوان منبع انرژی است و دائماً دلش می‌خواهد انرژی خودش را تخلیه کند؛ من از این باب [می‌گویم] که این وظیفه‌های بزرگ زمین نماند.»

الگوسازی خوب یا بد؟

طبق توصیه‌های مکرر مقام معظم رهبری مبنی بر هدایت نسل جوان، هیئت‌ها می‌توانند این امر را تسریع کنند؛ چرا که وقتی در محفلی ده هزار جوان یا پنج هزار جوان جمع شدند، مداحان

است.»

استقرار نظام پذیرش و بررسی پیشنهادات در یک سازمان، توجه و حساسیت کارکنان به فرآیندهای کار را افزایش داده و باعث مشارکت بیشتر آنها در سازمان می‌شود.

نخستین بار نظام پیشنهادات از دهه ۱۹۵۰ در ژاپن کلید خورد و سپس از سوی دیگر کشورهای جهان پذیرفته و معمول گردید. در این کشور آسیایی میزان پیشنهادات هر سازمان به عنوان افتخارات سازمانی محسوب می‌شود. هر مدیر که مسائل کشف شده بیش‌تری داشته باشد از شهرت

بهتری برخوردار می‌شود و هر کارمندی که مسائل جدیدی کشف کند کارمندی نمونه است. همچنین سرانه پیشنهادات میزان مشارکت، انگیزه، خلاقیت و نوآوری را در هر سازمانی مشخص می‌کند.



علیرغم تلاش‌هایی که شد و ما با مسئولان مختلف دانشگاه و اساتید برای مصاحبه ارتباط برقرار کردیم اما حاضر به مصاحبه نشدند.

در این میان تنها توانستیم با خانم دکتر زهرا جامه‌بزرگ

عضو هیئت علمی و استاد تکنولوژی

آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی(ره) مصاحبه‌ای به طور مختصر داشته باشیم و ایشان طی نظری کوتاه راجع به این اقدام وزیر علوم، نکاتی را مطرح کردند که در این گزارش، ما قسمتی از صحبت‌های ایشان را می‌آوریم.

دکتر جامه‌بزرگ ضمن اشاره به ضرورت عملیاتی کردن این نظام که نیازمند یک سری پیش‌نیازها است افزودند: «اکنون سیستم ارگان‌های دولتی چنین قابلیتی برای اجرای این طرح را ندارد. برای تشکیل این سامانه علاوه بر مدیریت مشارکتی، وجود هیئت امنایی متشکل از کارکنان، اساتید و دانشجویان که آنان در تمام فرآیندهای مدیریتی اعم از جذب، برنامه‌ریزی، ارزشیابی و اجرا سهیم باشند. یکی دیگر از پیش‌نیازها شفاف‌سازی

مسئله‌یابی، چاره‌جویی، حل مسائل و مشکلات بهره‌جست. مسئله‌ای که مرتبط با این حوزه است مأموریت‌نگاری و مسئله‌محور کردن پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌های دانشجویی است. پایان‌نامه‌ها باید به عنوان ارکان مهمی در جهت حل معضلات کشور به شمار آید و لازم است تا جامعه دانشگاهی در نوشتن آنها تمام تلاش خود را بکار بگیرند تا بتوانند متناسب با جامعه، آنها را مسئله‌محور کنند. چنین نظامی، گام نخست مشارکت کارکنان در تصمیم‌سازی و مدیریت واحدهای سازمانی است.

نظام جامع پیشنهادات



کشورها با وجود آن که اغلب دانشگاه‌ها خصوصی است اما بودجه‌های دولتی زیادی به آنها داده می‌شود، البته نه به صورت فله‌ای، بلکه به این شکل که دولت برای دانشگاه مسائلی را تعریف می‌کند و چنانچه دانشگاه در حل آن مسائل پیشرفت داشت، بودجه به آن تعلق می‌گیرد.

حال وزیر محترم علوم دکتر محمد علی زلفی گل در برنامه‌ای که به مجلس ارائه کرد بحث راه‌اندازی نظام جامع پیشنهادات را مطرح کردند و هم‌زمان سه گروه مختلف برای اجرایی کردن این نظام کار می‌کنند.

نظام مدیریت مشارکتی یکی از نظام‌های مدیریتی پویا است که نقش موثری در توسعه مبانی انسانی ایفا می‌کند. در این نظام کلیه افراد سازمان درباره روش‌های حل مسائل و ارتقاء بهره‌وری فعالانه اندیشیده و حاصل آن را در قالب طرح‌ها و پیشنهادها به سازمان ارائه می‌کنند.

نظام یا سیستم پیشنهادات، فنی است که می‌توان از فکر و اندیشه‌های کارکنان برای



رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با نخبگان جوان و استعداد‌های برتر علمی، ضمن تأکید بر لزوم تمرکز جامعه علمی و نخبگان برای یافتن راه‌حل‌های علمی مشکلات مختلف افزودند: «ظرفیت نخبگی جوانان ملت ایران، می‌تواند زمینه‌ساز پرکردن شکاف علمی کشور با علم جهانی، عبور از مرزهای جهانی علم، ایجاد تمدن نوین اسلامی و تحقق آینده درخشان کشور باشد.»

ایشان، «مسئله‌محوری» و حل مسائل کشور را از اهداف مهم جامعه علمی کشور خواندند و با برشمردن مواردی مانند مشکلات آب، محیط زیست، ترافیک، آسیب‌های اجتماعی، تخلیه روستاها، نظام پولی، مالی، مالیاتی، بانکی و مسائل نظام تولید، گفتند: «می‌توان برای همه مشکلات کشور راه‌حل علمی پیدا کرد.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: در برخی

برای تماشای تصاویر بیشتر بر روی تصویر ضربه بزنید



ادامه‌دهنده و پاسدار خون شما شهیدان باشیم. همانا همه کسانی که در این مراسم زحمت کشیدند و شرکت کرده‌اند و یا دلشان اینجاست، همه ادامه‌دهنده راه شهدا هستند.»

با اتمام سخنان ایشان، حجت‌السلام والمسلمین جناب آقای سرلک شروع به سخنرانی کردند. ایشان بیان کردند: «شهید آوینی می‌گوید هرکس می‌خواهد ما را بشناسد، ماجرای کربلا را بخواند. دیگران شاید دلیل این حضور پرشور را درک نکرده و حتی به تمسخر بپردازند اما برای ما که ۱۴۰۰ سال به‌خاطر کشیده‌شدن گوشواره‌های یک کودک گریسته‌ایم، خبر مهمی است.»

خود شد، قدرتی به پاهای ناتوان خود داد و آرام شروع به راه‌رفتن کرد. حال این فراق و گمنامی بعد از ۳۹ سال به پایان می‌رسید و مادر توانست باری دیگر پسرش را در آغوش بکشد. سپس مهر و محبت مادرانه خود را نصیب شهید گمنامی که کنار پسرش آرمیده بود، روانه کرد. صدای الله اکبر اذان که در آسمان طنین‌انداز شد همه به سوی مسجد گام برداشتند تا در قیامشان آیه‌ی صراط‌المستقیم بخوانند و در قنوت دست‌هایشان را برای طلب شهادت بلند کنند.

سپس ادامه دادند: «زنده نگه‌داشتن یاد شهید از عهده‌ی ما خارج بوده و برعکس ما هستیم که با درگنار شهید قرار گرفتن زنده می‌شویم؛ اینان باعث خروج ما از تاریکی به سوی نور بوده و جریان هدایت الهی را در عالم سرپرستی می‌کنند.» پس از پایان سخنرانی، والدین شهید به جمع ما اضافه شدند. مادری که پس از گذشت سال‌ها دیگر توانی برای راه‌رفتن نداشت با ویلچر به سمت فرزندش می‌آمد. وقتی نزدیک مزار فرزند

وصال ابراهیم

گزارشی از مراسم استقبال از خانواده شهید ابراهیم قائمی

مطهره پورابراهیمی

عضو فعال دانشکده الهیات و معارف اسلامی



قبل از اینکه در عملیات بیت‌المقدس حاضر شوند می‌فرمایند که، می‌خواهم عصر امام را درک کنم و آرمان امام زنده بماند.»

اکنون حدود ده سالی می‌شود که به اذن خداوند حکیم، هم‌رزم شهید ما در دانشگاه علامه جای گرفته است و در طول این سال‌ها محفل استغنا و کسب روزی معنوی و علمی دانشجویان بوده است.

جناب آقای معتمدی در ادامه سخنانشان به مقام شهدا اشاره می‌کنند و ادامه می‌دهند: «شهادت اتفاق نیست، یک مرگ نیست، حتی یک مرگ انتخاب شده! بلکه فرآیندیست که از دل یک مکتب به اسم اسلام شکل می‌گیرد و شهید قبل از آن که مهمان خدا شود، میزبان خداست. قلب و روح و وجود و دل شهید محل استقرار خداوند است. شهیدان به ما آموختند که اگر می‌خواهیم به شهادت برسیم ابتدا باید در زندگیمان شهید شویم.» ایشان سپس با ذکر جمله‌ای از امام خمینی (ره) افزودند: «امام به ما فرمودند شهدا شمع محفل بشریت‌اند، شهید نظر می‌کند به وجه‌الله و مقام شهادت، خود اوج بندگی و سیر و سلوک در عالم معنویت است. این تربیت پاک شهیدان است که تا قیامت قرار دل‌سوختگان می‌باشد. ای شهید عزیز! تو عصر خمینی را درک کردی، ما هم عصر شهدای حرم. ما می‌خواهیم

سه‌شنبه ۱۶ آذر ۱۴۰۰ و روز دانشجو بود. عقربه‌ها ساعت ۹:۰۵ را نشان می‌دادند. وارد دانشگاه علامه طباطبائی (ره) شدم. زمزمه مداحی در گوشه گوشه دانشگاه پیچیده بود که روحی تازه به آنجا می‌داد. در گوشه‌ای از دانشگاه، شهیدی آرام گرفته بود که از سال ۹۰ همیشه مأمون و پناهگاه ما دانشجویان علامه در همه احوال بود و هدیه روز دانشجویش به ما پیدا کردن نام و نشان بود. بعد از ۳۹ سال، شهید ابراهیم قائمی ۱۷ ساله شناسایی شد.

ساعت ۱۰ صبح، مراسم با تلاوت قرآن آغاز گردید و پس از آن خیر مقدم توسط رئیس دانشگاه، آقای معتمدی انجام شد. ایشان تقارن روز دانشجو و مراسم استقبال از خانواده شهید را تقارن مبارکی دانستند و بیان کردند: «همان‌طور که رهبر معظم فرمودند ما باید از والدین شهدا کسب روحیه و معرفت و معنویت کنیم و شهدا همچون چراغ راهی برای ما هستند. آنچنان که مادر و پدر بزرگوار شهید فرمودند، شهید عزیز ما با اینکه به حضور در دانشگاه علاقه‌مند بودند اما





کلام امام:

سخن جمهوری اسلامی، متین و مستدل و قابل اثبات است. اگر آمریکا را متهم می‌کنیم، دلیل اثبات‌کننده‌ی متقن داریم؛ اگر نسبت به اروپا بی‌اعتمادیم، دلیل متقن داریم؛ اگر نسبت به مسائل اقتصاد داخلی معتقدیم که بایستی به ظرفیت داخلی اعتماد کرد و تکیه کرد، دلیل متقن پشت سرش هست؛ همین اتقان، همین استدلال درست و دقیق، چیزی است که جمهوری اسلامی را به فضل الهی تا امروز، با قدرت، با استحکام نگه داشته است و استحکام جمهوری اسلامی بیشتر شده است و امروز قابل مقایسه‌ی با بیست سال پیش و سی سال پیش نیست و به مراتب قوی‌تر است؛ و ان شاء الله بعد از این هم این حرکت به سمت اقتدار جمهوری اسلامی بیشتر خواهد شد؛ همراه با استحکام ساخت داخلی و صحت رفتار مسئولان با مردم در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی و...